

تیترو روز



سخنگوی دولت: دو هفته سخت پیش رو خواهیم داشت

دارکوب: تا شنبه که آقای رئیس جمهور گفتن؟!

انتقاد تندوزیر بهداشت از وزارت صنعت: متأسفانه هنوز مشکل ماسک پیر جاست

مردم: راضی نیستیم برای یک لا ماسکی که میگین تاثیری هم نداره با هم دعوا کنین!

رکور دروایی روی تردمیل جهان در یزد شکست

دارکوب: رکورد رو حیه و دل خوش هم شکست!

فرمانده عملیات مدیریت کرونا در تهران: تست کرونا ویروس برای همه افراد جامعه ضرورت ندارد

دارکوب: پس فقط برای مسئولان و وابستگان شون ضرورت داره؟!

شرکت ملی پخش فراورده های نفتی: خودتان بنزین نزنید، پول زور هم ندهید

دارکوب: مگر این که زورش پر زور باشه!

سخنگوی دولت: مدارس تا پایان هفته تعطیل هستند

دانش آموزان: اگه همین اول بگین تا کی دقیقاً تعطیلیم، قول میدیم از خوشحالی سخته نکنیم!

از اون لحاظ

پدر ژپتو و روباه مکار

مهرشاد مرتضوی طنزپرداز



روزی روباه مکار که حتی سر گربه نه راهم کلاه گذاشته بودو داشت سوار بر کشتی از آن کشور میزد به چاک، وسط دریا با نهنگی روبه روشد. نهنگ پرسید: «تو چی هستی؟ چقدر زیبایی!» روباه جواب داد: «من بستنی قلقله زنم، بذار برم چاق بشم چله بشم بعد بیام تو منو بخور.» نهنگ که بر اثر آشغال بازی شکار چپان و ریختن سموم در دریاها شنوایی اش به کل مرخص شده بود، گفت: «باشه، تو هم بمون» و روباه را بلعید.

روباه بعد از تهی کردن قالب و کشیدن چند نفس عمیق (بدون سرفه خشک)، به حال عادی برگشت، فندک زیپویش را در آورد و مسیر را روشن کرد. همین طور رفت و رفت و رفت تا رسید به بانکراس نهنگ. با ذوق فریاد زد: «این بانکراسه! خدا رو شکر شبکه خبر زیاد می بینم، با شکلش آشنام!» صدایش داخل نهنگ اکو کرد و چند ثانیه بعد صدایی گفت: «چته یون بسته؟ خوابیما!» روباه کمی جلوتر رفت و دید پدر ژپتو با چشمانی پف کرده و اعصابی داغان روی کانایه ای داخل شکم نهنگ لش کرده. سریع فندکش را خاموش کرد و از او پرسید: «پدر جان شما کجا؟ این جاکجا؟» ژپتو خمیازه های کشید و جواب داد: «والا از ترس کرونا اومدم این جا خودمو قرنطینه کردم.» روباه وزنه های کشید و گفت: «خیر اموات بحث کرونا رو نکش وسط، دبیر صفحه گفته این به ستونو دیگه وایدین! اصلاً بیاتو چالش بیکند شرکت کنیم استوری بذاریم.» ولی بعد که فهمید وزارت ارتباطات خارج با وجود عده ها هنوز داخل شکم نهنگ را به شبکه مخابراتی وصل نکرده ضایع شد.

پدر ژپتو همین طور که چشمانش به تاریکی عادت می کرد، چهره روباه را تشخیص داد و ناگهان پس یقه او را گرفت و داد زد: «مرتیکه بی وجدان، تویی؟ حالا دیگه پولای منو بالا می کشی در میری؟ از دست طلبکار! باید فرار کنم بیام تو شکم نهنگ قایم شم؟» سپس از سوراخ بالایی سر نهنگ با دود علامت داد و پلیس دریایی آمد و روباه را گرفته و به سزای اعمالش رساند تا بلکه اختلاسگران واقعی از طریق قصه متنبه شوند.

کرونا ضبط «دورهمی» را هم متوقف کرد



کار نویسست علی کاظمی

سوژه روز

از بین برنده قوی رسید!

اولی: وزیر بهداشت خبر داده برای نخستین بار در جهان با ۳۰۰ هزار تیم مجهز در سراسر کشور به تک تک خانه ها مراجعه و بیماری کرونا را ریشه کن می کنیم.

سومی: بسیار عالی، البته خیلی کارشناسان به این موضوع واکنش نشون دادن و گفتن ضرر این کار ممکنه بیشتر از منفعتش باشه.

دومی: اتفاقاً به نظر من خیلی طرح خوبیه، اول این که بالاخره معلوم میشه چند چندیم و استرس این که کی کرونا داره و کی نداره از بین میره و کار یکسره میشه! دوم این که به بودجه ای که قرار بوده الکی بمونه گوشه خزانه این آخر سالی و برگشت بخور، صرفیه کار مفید میشه و خیرش به مردم میرسه و جلوی سوءاستفاده اون ناقله ای که یواشکی

توثیت روز

قصه های کرونا بی بابا بزرگ!

وقتی پیر شدیم داستان این روزها رو که واسه نوه هامون تعریف کنیم پشت سرمون می گن «بابا بزرگ شروع کرد به تعریف کردن داستان های تخیلیش».

اون صحنه که تراکتور داشت آسفالت خیابون رو مثل سمپاشی ضد عفونی می کرد حقیقتاً یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو.

یادتون نره که تو اون ۲۰ ثانیه که دستتون رو صابون مالی و کف مالی می کنید، شیر آب رو ببندید تا بعد کرونا با کم آبی روبه رو نشیم!

از ترس کرونا نمی تونیم مثل آدم سرما بخوریم.

به بابام گفتم احساس می کنم کرونا گرفتم، گفت نیم ساعت نفست رو نگه دار اگه سرفه ات نیومد یعنی کرونا نیست. خب چرا تعارف داری؟ بابالش خفه ام کن!

این سوال های تست مجازی کرونا یه چیزی تو مایه های «چیزی نیست، آمپول بنویسم یا شربت؟» بود!

امسال تموم بشه تو بیوی شبکه های اجتماعیم اضافه می کنم «از نجات یافتگان سال ۹۸»!

بابام از وقتی فهمیده منتظریم تا بستون بیاد کرونا بره خیلی ذوق زده شده. می گه حالا که این قدر گرما دوست دارین کولر رو بغروشیم!

وقتی می رم تو خیابون هم استرس کرونا رو دارم، هم استرس دیدن اون هایی که گفتن بیا بیرون گفتم تو قرنطینه ام!



ممکن بوده شبیخون بزنی به مال مردم هم گرفته میشه! سوم این که همین جوریش کادر درمانی سرشون شلوغ هست اون وقت...

سومی: بسه دیگه! علاوه بر بار مالی این پروژه، ممکنه افراد همون تیم ها یا لباس ها و تجهیزاتشون خودش ناقل ویروس کرونا باشن. شایان ذکره که مخاطبان عزیز، ما نه

دکتریم و نه صاحب نظر، باز نگیں چرا تو این موضوع دخالت کردین و ال و بل!

اولی: حالا لازم نیست تو این شرایط تو مواظب باشی که به کسی بر نخوره! اوضاع بحرانیه و ما وظیفه داریم به عنوان رسانه خبرها و نظرهای دقیق رو به مردم منتقل کنیم. (خطاب به مسئول صفحه: خوب گفتم؟ حله؟!)

ویروس کرونا: این وسط من مات موندم که وقتی همه دنیا این قدر ازم می ترسن، شماها چرا عین خیال تون نیست؟ همین بی توجهی آزارم میده و ممکنه منو از بین بیره!

کارتون روز

تیر خلاص کرونا به گردشگری!



کار نویسست حسین نقیصر

فال روز

ای صاحب فال، حدس می زنیم امروز دستمال یا دستکش یک بار مصرف را می خواهی توی کوچه ببندی، درست است؟ خوب مچت را گرفتیم!

شعر روز

دوبیتی های خبری هفته

مهربان باشیم حتی با درخت
گرچه جنگل با عطوفت گشته تخت!
یک طرف ویلا و جنگل خواری و
یک طرف هم شاخه ها و بندرخت!

تمام باغ ها گیلان دارند
و کلی میوه های خاص دارند
ز اقبال بلند ما و لیکن
ملخ ها هی به ما احساس دارند

الایا بیها الساقی ادر کاسا و ناولها
کرونا شد یهو آژاد لیک افتاد مشکل ها
نه دار و خانه ها دارند اندک الکل و پنبه
نه من دارم به جیبم اندکی از آن تراول ها!

بنزین سفر تا بیم و تا جاسک نداریم
کفشم گلی و واکس که نه، واکس نداریم
تا ضد عفونی بشود دست و وسایل
زل، اسپری و الکل و یک ماسک نداریم!

بهار نژد



پیامک روز

پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
تلگرام ۹۸۵۴۳۹۴۵۷۶

هر چه می خواهد دل تگت بگو فقط...

نوشتن «دارکوب» ابتدای پیامک فراموش نشود!

تنت به ناز طبیبان نیاز مندم باد
و گرنه این تو این مطب جناب پزشک
اگر بخوای پرومطب و بخور دارو

و گرنه این تو این شربت لذیذ پزشک! مخطلب
سلام هموطن، با چه وجدانی حاضری
دستکش و ماسک آلوده را تو کوچه و خیابان

رها کنی؟ با این سن و سال از خونه میام بیرون
فقط کارم شده جمع کردن دستکش و ماسک
آلوده شما.

دارکوب: دقیقاً درست می فرمایین. به عده
میگن خودمون مرخص نشیم، بی خیال بقیه!

آق کمال! اگه در خونه تکنوی منزلت نیاز به
کمک داشتی روی محاسب کن!

آق کمال: ارادت برار گلم، فعلاً که فرمان
همه جا هست الا خانه تکانی، بذار از ای خان
کرونا چون به در برم، چشم، خیرتان مکمن!

حواست به قیمت ماشین ها هست؟ رشد
قیمت شون از شیوع کرونا سریع تره!

دارکوب: حواسم که هست ولی چه فایده؟
ممکنه بشر بتونه به واکسن هر بیماری

دست پیدا کنه ولی برای گرونی خودروهای
بی کیفیت ما امکان نداره راه حلی کشف بشه!

همراه با اعطای مدرک
مورد تایید وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی

عناصر داستان (مقدماتی)

علی موسی زاده
سه شنبه ۱۸-۲۰
۱۰ جلسه - ۲۱۰ هزار تومان

نویسنده کی خلاق نوجوان (مقدماتی)

بلالور نیکبند
چهارشنبه ۱۸-۱۶
۱۰ جلسه - ۲۰۰ هزار تومان

عناصر داستان (پیشرفته)

علی موسی زاده
پنجشنبه ۲۰-۱۸
۱۰ جلسه - ۲۱۰ هزار تومان

تحریری، نستعلیق، شکسته، کوفی و لاتین (کاپرلیت)

سارا عطارزاده
دوشنبه ۲۰-۱۸
۱۰ جلسه - ۱۸۵ هزار تومان

تحریری، نستعلیق، نسخ و کوفی

فاطمه مقیمی
پنجشنبه ۱۸-۱۶
۱۰ جلسه - ۱۸۵ هزار تومان

+ هر دو کلاس این دپارتمان را
می توانید به صورت مجازی نیز ثبت
نام کنید.

+ در هر دو کلاس آموزش های لازم
برای مسابقات دانش آموزی نیز ارائه
خواهد شد.

+ امکان تشکیل کلاس خصوصی و
نیمه خصوصی نیز وجود دارد
+ در هر دو کلاس خط تحریری با
خودکار آموزش داده می شود.

